روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۴۹۱

سرمایه گذاری برای تولید

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
آن که در عیب خود نظر کند از نظر در عیب دیگران بازماند.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۸ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۰۴
■ اذان مغرب: ۱۸:۲۲ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۶
■ اذان صبح فردا: ۴:۲۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۵۱

حافظ
و گر چنان که در آن حضرتت نباشد بار
برای دیده بیاور غباری از در دوست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■ معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند
گزارش:
■ مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■ مدیر: سیده زهرا عباسی
■ دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی:
■ مدیر: جواد نصرتی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی:
■ دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

■ سردبیر آنلاین: اسماعیل سلطنت‌پور
■ معاونان آنلاین: مجتبی صادقی، کامران بارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی: زهراسادات بهشتی
■ مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■ مدیر تولید تلویزیون: الهه‌سادات بهشتی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

دور دنیا

دستمال مرطوب جایزه ایگنوبل امسال!

حتما تا به حال برای شما هم پیش آمده که مشغول انجام کاری عادی هستید و ناگهان، متوجه امری عجیب و غیرعادی می‌شوید؟ بد نیست بدانید اگر ماجراهای عجیبی را که برایتان اتفاق می‌افتد، جدی بگیرید و آن را ثبت کنید، احتمال دارد شما هم در جهان به‌عنوان یک دانشمند شناخته شوید و نامتان بر سر زبان‌ها بیفتد.

بد نیست بدانید در جهان، مجله‌ای وجود دارد که هر سال پژوهش‌های ساده، مضحک و غیرعادی را بررسی می‌کند و به بهترین‌های آن جایزه می‌دهد: جایزه «ایگنوبل» یا «نوبل مضحک»! این جایزه چند روز پیش برگزیدگانش را شناخت و مجله طنز علمی Annals of Improbable Research آنها را در مراسم سالانه خود که در دانشگاه هاروارد برگزار شد، معرفی کرد. در مراسم امسال در بخش زیست‌شناسی یک گروه ژاپنی برگزیده شدند. آنها برحسب اتفاق گاوهای گوشتی خود را با اسپری، به شکل راه راه و مثل گورخرها رنگ‌آمیزی کردند و متوجه شدند که مگس‌ها، گاوهای راه راه را کمتر آزار می‌دهند. بد نیست بدانید سرگروه ژاپنی این گروه، وقتی می‌خواست برای دریافت جایزه ایگنوبل روی صحنه برود، لباسی راه راه پوشیده بود و تعدادی از همکارانش او را با مگس‌های مقوایی آزار می‌دادند. جایزه بخش ادبیات هم به یک دکتر تقدیم شد که ۳۵سال روی رشد ناخن‌هایش تحقیق کرده و دریافته بود که با افزایش سن، رشد ناخن‌ها کاهش می‌یابد یا گرما، رشد آنها را افزایش می‌دهد و خوردن ناخن، گردش خون را تحریک می‌کند و رشد ناخن را افزایش می‌دهد. البته ثبت این تحقیق طولانی، به زبان شاعرانه و ادبی نوشته شده بود و به همین دلیل ایگنوبل ادبیات را دریافت کرد. مراسم امسال، پنجشنبه گذشته با یک سنت دیرینه آغاز شد؛ حاضران مراسم را با پرتاب موشک‌های کاغذی آغاز کردند و برگزیدگان جوایز خود را از دستان دانشمندانی دریافت کردند که سال‌های قبل جایزه نوبل واقعی را دریافت کرده بودند. یکی از جوایز، دستمال مرطوبی بود که به برگزیدگان دهگانه تقدیم می‌شد.

حکایت پلاس

مدادرنگی‌های هفت‌رنگ!

دیروز، در حال قدم‌زدن در خیابان بودم که ویترین رنگارنگ یک مغازه لوازم‌التحریرفروشی بوی ماه مهر را در دلم زنده کرد و مرا به یاد ایام نوجوانی انداخت. دفتر مدرسه و مداد قرمز پشت ویترین و پاک‌کن‌هایی با شکلک‌های عجیب و غریب، مرا به داخل مغازه می‌خواندند و با ادا اطوار هی می‌گفتند بیا تو!

مغازه پر از سکوت بود و صدایی با خوشرویی خوشامد گفت و باد کولر گازی مرا لای قفسه‌های مغازه به این سو و آن سو می‌برد، روان‌نویس‌های سبز و قهوه‌ای و زیتونی، دفترهای باربی و گربه‌ای و هیولایی و تراش‌های چراغدار و دمدار و شاخ‌دار! کمی جا خوردم. انگار دنیای لوازم‌التحریر بچه‌های امروز زمین تا آسمان با روزگار نوجوانی من فرق کرده بود. در روزگار تحصیل من، همه‌چیز ساده بود و سادگی، میان بچه‌ها ارزش داشت! هوس کردم به یاد آن‌روزها چیزی هم بخرم. سراغ بخش مدادرنگی‌ها رفتم. از کودکی نقاشی‌هایم افتضاح بود؛ اما همان نقاشی‌های عجیب‌وغریب را خیلی دوست داشتم. یک مدادرنگی ۱۲رنگ برداشتم. پشت آن نوشته شده بود ۴۸۰هزار تومان! سه فازم پرید؛ یعنی هر رنگ ۴۰هزار تومان! کاش می‌شد تنها یک رنگ را بخرم که فروشنده با پوزخند، مرا از این کار زشت منصرف کرد.

از مغازه بیرون رفتم. چند قدم آن‌سوتر یک مغازه لوازم‌التحریری دیگر بود. این‌بار از سر کنجکاوی وارد آن شدم و یک‌راست رفتم سراغ مدادرنگی‌ها! همان مدادرنگی با همان مارک و مدل، ۴۰۰هزار تومان بود. از سر کنجکاوی ۵مغازه دیگر را هم بررسی کردم و مدادرنگی‌هایی با همان مارک و مدل پیدا کردم با قیمت‌های رنگارنگ؛ از هر مدادرنگی ۲۹هزار تومان تا ۲۰هزار تومان. البته دلیل این اختلاف قیمت را از فروشنده‌ها هم جویا شدم؛ یکی قیمت سال قبل و بعد را بهانه می‌آورد، یکی تاریخ مصرف جدید و قدیم را و دیگری، یک‌سانت کوتاهی و بلندی مدادها را. ترجیح دادم به‌جای خرید، دوباره نقاشی‌های افتضاح آن روزها را به‌خودم یادآوری کنم و از خرید مدادرنگی‌هایی با قیمت‌های هفت‌رنگ منصرف شوم.

زنگ تفریح یک روزه

راهنمای سفرهای یک‌روزه از پایتخت برای خانواده‌ها

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | پاییز دارد از راه می‌رسد و با بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، تقویم بسیاری از خانواده‌ها دستخوش تغییری جدی می‌شود. برنامه‌های درسی، امتحانات و تکالیف مدرسه، عملا امکان سفرهای چندروزه و طولانی را از بین می‌برد و بسیاری به اشتباه تصور می‌کنند که لذت سفر و کشف مکان‌های جدید باید تا نوروز و تابستان آینده به تعویق بیفتد، اما این یک باور نادرست است. آغاز فصل مدرسه به‌معنای پایان سفر نیست، بلکه سر آغاز سبکی جدید از گشت‌وگذار است؛ سفرهای فشرده و پربار آخر هفته‌ای. همین ۲روز پایانی هفته، فرصتی طلایی است تا برای ساعاتی از آپارتمان‌نشینی، ترافیک و روزمرگی‌های پایتخت فاصله بگیرید و با انرژی مضاعف به استقبال هفته‌ای نو بروید. برخلاف تصور عمومی، سفرهای کوتاه آخر هفته نه‌تنها با برنامه تحصیلی دانش‌آموزان تداخلی ندارد، بلکه می‌تواند به مثابه یک «زنگ تفریح» آموزشی و فرهنگی عمل کند.

حتی اگر سفر به مناطق سردسیر باشد البته در صورت مساعد بودن هوا آشنایی با تاریخ یک شهر کهن، دیدن یک پدیده طبیعی یا حتی یک پیاده‌روی ساده در طبیعت می‌تواند به اندازه ساعت‌ها مطالعه، آموزنده و الهام‌بخش باشد. خوشبختانه تهران در محاصره مقاصد متنوعی است که می‌توان در کمتر از ۳-۲ساعت رانندگی به آنها رسید و تجربه‌ای کامل از یک سفر یک‌روزه داشت. این گزارش، نقشه راه شما برای همین گریزهای کوتاه و شیرین آخر هفته است.

قزوین پایتخت صفوی در چند قدمی

کمتر از ۲ساعت رانندگی کافی است تا خود را در نخستین خیابان طراحی‌شده ایران، خیابان سپه، بیابید. قزوین با کاخ چهل‌ستون، سرای باشکوه سعدالسلطنه و طعم بی‌نظیر قیمه نثار، یک موزه زنده است. این شهر برای خانواده‌هایی که می‌خواهند فرزندانشان را با تاریخ و معماری اصیل ایرانی آشنا کنند، یک کلاس درس جذاب و فراموش‌نشدنی خواهد بود.

لواسان و فشم: فرار به ییلاق همسایه

اگر به‌دنبال فرار از شلوغی و تنفس هوای پاک هستید، ییلاقات رودبار قصران بهترین و نزدیک‌ترین گزینه است. جاده سرسبز، رودخانه خروشان و رستوران‌های متعدد، لواسان و فشم به خصوص تا قبل از زمستان سرمای شدید را به مقصدی ایده‌آل برای یک پیک‌نیک خانوادگی یا صرف ناهار در دل طبیعت تبدیل کرده است. بازدید از سد لتیان و روستای افجه نیز خالی از لطف نیست.

دماوند سیب و عسل در دامنه بام ایران

شهر دماوند، نه فقط نام بلندترین قله ایران که خود مقصدی دلپذیر برای یک سفر کوتاه است. این شهر با باغ‌های پربار سیب، دشت‌های گل و آب‌وهوایی مطبوع، گزینه‌ای عالی به خصوص تا قبل از زمستان و سرمای شدید برای آخر هفته‌هاست. بازدید از چشمه اعلا و پیاده‌روی در کوچه‌باغ‌های باصفای آن، می‌تواند خستگی یک هفته پرکار را از تن شما و خانواده‌تان بیرون کند.

فیروزکوه گذر از تاریخ در جاده ابریشم

جاده فیروزکوه خود یک جاذبه است، اما این شهرستان تاریخی مقصدی ارزشمند برای سفر محسوب می‌شود. تنگه واشی با کتیبه قاجاری و رودخانه خروشانش (مناسب فصول گرم)، غار بورنیک و کاروانسراهای قدیمی، بخشی از دیدنی‌های این منطقه است. فیروزکوه ترکیبی از طبیعت کوهستانی و تاریخ کهن را در اختیار خانواده‌های علاقه‌مند به ماجراجویی و کشف قرار می‌دهد.

طالقان آرامش در قاب دریاچه و کوهستان

طالقان برای خانواده‌هایی که به‌دنبال آرامش مطلق و طبیعت بکر هستند، همچون بهشتی گمشده است. منظره خیره‌کننده دریاچه سد طالقان در آغوش کوه‌ها، بهترین مکان برای عکاسی و استراحت است. این منطقه با آب و هوای پاک و روستاهای دیدنی، روح شما را برای شروع یک هفته تازه، جلا می‌دهد و تجربه‌ای آرامش‌بخش برای همه اعضای خانواده محسوب می‌شود.

کاشان ضیافت تاریخ در شهر خانه‌های اعیانی

هرچند سفر به کاشان کمی طولانی‌تر است، اما بازدید از خانه‌های تاریخی طباطبایی‌ها و بروجردی‌ها و قدم زدن در باغ فین، ارزشش را دارد. کاشان، شهر فرش و خانه‌های باشکوه، می‌تواند یک سفر فرهنگی غنی را برای خانواده رقم بزند. تماشای معماری خیره‌کننده مسجد آقابزرگ، تجربه‌ای است که در ذهن همه اعضای خانواده ماندگار خواهد شد.

کردان هیجان و در نزدیکی پایتخت

برای خانواده‌هایی که فرزندان نوجوان و پرانرژی دارند، کردان انتخاب هوشمندانه‌ای است. باغ‌های سرسبز، رودخانه پرآب (در فصول مناسب) و امکانات تفریحی مدرن، فضایی شاد را برای آخر هفته فراهم می‌کنند. کردان با فاصله کمی از تهران، مقصدی محبوب برای یک گریز سریع و پرنشاط از زندگی شهری برای خانواده‌های پرجنب‌وجوش است.

روزمره‌نویسی‌ها

شهروندانی که نه سر به هوا که سر به زیرند

عیسی محمدی | روزنامه‌نگار | این روزها شخصا با پدیده عجیبی روبه‌رو هستم که واقعا روی اعصابم می‌رود و نمی‌دانم چه کارش کنم؛ شهروندانی که دارند راه می‌روند، ولی سرشان توی گوشی همراه است. هیچ‌وقت هم درک نکرده و نمی‌کنم که چطور طرف، ۲ کار را در آن واحد می‌تواند انجام بدهد؛ هم راه برود، هم مسیریابی کند و هم سرش توی گوشی‌اش باشد؛ طوری هم در این امر جدی هستند که فکر می‌کنید مدیر یک پایگاه فضایی، دارد آخرین موشک حامل سفینه فضایی‌اش را به هوا می‌فرستد و ثانیه‌ها اگر جابه‌جا شوند، همه‌چیز منفجر خواهد شد؛ حتی جدی‌تر از آن مدیر. من دارم سوار مترو می‌شوم، طرف در حال پیاده شدن است و سرش توی گوشی، با چنان طمأنینه‌ای در حال پیاده شدن است که دوست داری دست ببری و موبایلش را خاموش کنی! یا توی پیاده‌روهای خیابان ولیعصر، طرف دقیقا نیم متر مانده به تو، یک دفعه سرش را از توی گوشی بیرون می‌آورد یا ترمز می‌کند یا مسیرش را عوض می‌کند؛ تازه بدون هیچ عذرخواهی و عرض اضافه‌ای... نکته تلخ‌تر هم این است که گاهی طرف با گوشی همراهی که سرش توی آن است، به تو برخورد می‌کند و موبایلش زمین می‌افتد و شاکی هم می‌شود که چرا حواست نیست! یعنی طرف به‌عنوان کسی که سرش پایین است، حواسش نیست، خودش برخورد می‌کند به دیگری و...، به شما ایراد می‌گیرد که حواس‌تان کجاست؛ به همین سادگی و شیرینی. نمی‌دانم حالا از نظر اجتماعی نام این پدیده و شهروندان جدید را چه می‌توان گذاشت. باز حالا طرف بایستد و سرش توی موبایل باشد، یک چیزی، ولی این موبایل‌بازی موقع راه رفتن دیگر نوبر است. متأسفانه این دسته از شهروندان، درکی ندارند از اینکه بالاخره زندگی کردن در هر جایی، ازجمله شهر، آدابی دارد. طبیعتا آداب پیاده‌روی در پیاده‌رو این است که شما از سمت راست‌تان بروید و حواس‌تان به جلو باشد و حفظ فاصله کنید و یک‌دفعه توی سینه کسی نروید و...؛ این را دیگر همه‌جای دنیا به توافق و تفاهم رسیده‌اند؛ برای اینکه باعث دردسر هم نشوند، باید قواعدی را رعایت کنند. قاعده‌اش هم همین است که گفتیم؛ حداقل موقع پیاده‌روی سر توی موبایل نداشته باشید. حداقل بروید و به واگن مترو که رسیدید یا یک جای ثابت یا سر صف و...، کارتان را با موبایل شروع کنید. اینکه دیگر فهمش خیلی ساده است. نکته تلخ‌تر قضیه هم این است که غالبا درگیر بازی و اینستاگرام‌گردی و تماشای کلیپ‌های مسخره و... هستند، باز حالا اگر کار واجبی داشتند می‌گفتید ناچار است و چاره‌ای ندارد. کلا با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که مدل عجیبی در نوع خودش محسوب می‌شود.

عکس خانه

شهر مکعب‌ها

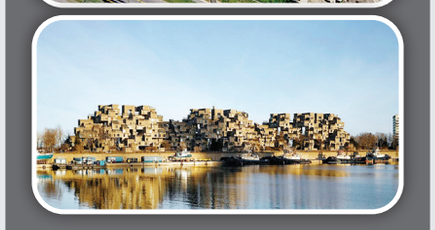

در کرانه رودخانه سن لوران در مونترال کانادا، کوهی از مکعب‌های بتنی نامنظم ساخته شده که گویی قطعات یک بازی خانه‌سازی غول پیکر هستند. این سازه شگفت‌انگیز، «هبیتت ۶۷»، شاهکار معماری بروتالیستی است که در دهه ۶۰میلادی، تعریف زندگی شهری را برای همیشه دگرگون کرد. موشه سفدی، معمار این پروژه با طرحی که در ابتدا پایان‌نامه دانشگاهی‌اش بود، به‌دنبال آشتی دادن تراکم زندگی آپارتمانی با مزایای خانه‌های ویلایی مانند حریم خصوصی، نور طبیعی و فضای سبز بود. ایده خلاقانه او در چیدمان هنرمندانه ۳۵۴ بلوک بتنی پیش‌ساخته تجلی یافت. این بلوک‌ها به‌گونه‌ای روی هم قرار گرفته‌اند که بام هر واحد، به باغچه‌ای سرسبز و تراسی دلباز برای واحد بالایی تبدیل می‌شود و حس زندگی در یک شهر عمودی را تداعی می‌کند. این مجموعه ۱۲طبقه‌ای که برای نمایشگاه جهانی اکسپو ۶۷ ساخته شد، با گذشت دهه‌ها همچنان به‌عنوان یکی از نمادهای معماری مدرن و مقصدی جذاب در مونترال شناخته می‌شود و ثابت می‌کند که می‌توان آسمانخراش‌ها را نه فقط به سمت آسمان، بلکه با نگاهی به کیفیت زندگی انسان‌ها طراحی کرد.